

اجناس و تمدن های مختلف را تشکیل می دهد. مادامی که جدال تمدن هاست، یعنی جدال بقا است نه مرزها، پس مذاکرات و راه حل های میانه روانه و آنچه که به صلح شهرت یافته همگی وهم و خیالی محض بوده و دامی برای کشاندن نیروهای مبارز به باتلاق خیانت به شمار می رود.

اسرائیل به طور کلی رژیم نامشروع است و هیچ راه حلی جز ایدئولوژی اسلام و جنگ آزادیبخش مردمی برای آزادی تمامی خاک فلسطین وجود ندارد، به همین خاطر باید هر فلسطینی، هر عرب، هر مسلمان و هر مستضعف در جهان در این مبارزه شرکت داشته باشد.

شرایط نوین مبارزه، ساختار جامعه اسرائیلی، شرایط مقابله با غرب همگی اسلامی شدن این مبارزه را می طلبند، این اسلامی شدن هم تحرک توده های امت را صرفاً از طریق وجدان دینیشان می طلبد.

طبیعی بود که نیروهای مختلفی به باتلاق مذاکرات بیفتد، سه شرط برای عدم سقوط به این باتلاق وجود دارد، اسلام، مردم و مبارزه مسلحانه، نبود هر یک از این سه شرط باعث عدم توانایی برای ادامه روبرویی و دست آخر سقوط در پیچ و خم های سخت موجود در مراحل این مبارزه است. رژیم اشغالگر قدس تنها وکیل بین المللی استعمار است، سخن مربوط به وعده الهی به بنی اسرائیل و گفته های غلط و بی پایه و اساس است، زیرا اولاد یهود اسرائیل اصولاً فرزندان یهودیان اولیه نیستند و حتی اگر فرض را بر آن بگیریم که آنها فرزندان یهودیان اولیه باشند باز هم به دلیل تجاوز تاریخیشان به پیامبران حق آنها از بین رفته است، در ثانی پس از طلوع اسلام امت اصیل همانا امت اسلام است. پس ما اولی تر از یهودیان به ابراهیم، اسحق، یعقوب، یوسف، موسی، یوشع، داود، سلیمان، زکریا، یحیی و عیسی بن مریم می باشیم، یهودیان در زمان رسول با ایشان در لیلۀ اسری و معراج بیعت کرده اند. ■

شریعت فتحی شقافی



اسرائیل به طور کلی رژیم نامشروع است و هیچ راه حلی جز ایدئولوژی اسلام و جنگ آزادیبخش مردمی برای آزادی تمامی خاک فلسطین وجود ندارد.

همین راستا از طریق تحقیق، پژوهش و مناقشه به این نتیجه رسیدیم که اسرائیل جزئی از طرح سلطه گرایانه غرب است و این آخرین مراحل برخورد بین تمدن اسلامی و تمدن غربی است. زیرا این روبرویی و جدال در زمان و مکان به صورت افقی و عمودی در حال انجام است، به معنای دیگر این جدال تمدن است و در سرزمین فلسطین است که سرنوشت امت و تمدن ما مشخص می گردد. یا پیروز می شود و یا آن که اهداف غربی و اسرائیلی در از بین بردن تمدن اسلامی تحقق می یابند.

این تنها سرنوشت تمدن ما نیست که در سرزمین فلسطین تعیین می گردد، بلکه سرنوشت تمامی جهان در اینجا رقم می خورد زیرا طرح سلطه گری غرب بر جهان به این معنا است که تمامی ساکنان کره زمین به خدمتگزاران و نوکرانی برای آقا و سرور غربی مبدل می گردند. به همین دلیل است که جنبش اسلامی باید خود را پیش قراول تمامی مسلمان جهان و رهبر آنها در مبارزه علیه دستگاه چپاول و ستم غربی بداند.

اسلام علاوه بر دین بودنش جزء مهمی از جهان به شمار می رود. زیرا ایدئولوژی رهایی فقرا و مستضعفین از قید و بند

سخن گفتن در مورد شهید فتحی شقافی، جهاد و طرح فکری - جنبشی اش، برای من مسئله ای بی طرفانه نمی باشد. زیرا روابط من با شهید تنها رابطه ای سیاسی، فکری یا مبارزاتی نیست. بلکه این رابطه در وهله اول یک رابطه انسانی بود.

زمان و مکان، رویا و آرزو، چارچوب های تاریخی و انسانی همگی به مانند شعاهای نوری که از یک منبع ساطع می شوند، تار و پود این روابط را تشکیل می دهند، رابطه ای که هرگز نه از نظر شکلی و نه از منظر مضمون از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ قطع نشد. همان گونه که از نظر فکری و مضمونی از سال ۱۹۸۱ تا زمان شهادتش در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ در مالت قطع نگردیده و به کمک خداوند همچنان نیز وجود دارد. زیرا اندیشه، روش و مواضعش تشکیل دهنده حماسه ای فکری و مبارزاتی است که همواره برای ما تا زمانی که به دیدار خداوند سبحانه و تعالی می رویم، باقی خواهد ماند. دکتر فتحی شقافی رویای یک جنبش اسلامی معاصر را در سر می پروراند. جنبشی که از نظر اندیشه ای و ساختار فعالیت تمامی اشتباهات گذشته را تکرار نکند. جنبشی که خود را تنها حلقه ای از حلقه های مبارزه اسلامی بداند که حلقه های پیشتر از خود و بعد از خود دارد. حلقه ای که به عنوان پیش قراول امت و خمیر مایه آن، نه جایگزین آن است. جنبشی که سازماندهی را یک وسیله، نه یک هدف بداند. جنبشی که مبداء قرار دادن مسئله فلسطین بعنوان مرکزیت امت اسلام است و آن را زیربنای فعالیت خود قرار داده است. جنبشی که براساس اصول زیربنایی خویش آغوش خود را برای همه باز کرده است. خود را منزوی نکرده و در عین حال از ریشه های فکری و عقیدتی خویش جدا نمی شود.

از سوی دیگر براساس مبداء قرار گرفتن مسئله فلسطین به عنوان مسئله مرکزی امت اسلامی، این مسئله باید مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته تمامی ابعاد تاریخی، عقیدتی و تداخلات منطقه ای و بین المللی آن تبیین می گردد. در

شرایط جدید، اسلامی شدن مبارزه را می طلبد...

دکتر محمد مورو، نویسنده تونسی
و از رهبران سابق نهضت تونس

«رفتار انسانی فتحی شقافی را شاید بتوان یکی از مهم ترین علل موفقیت بی سابقه اش در تبدیل یک طرح فکری به یک ساختار واقعی و مواضعی که با خون تثبیت گردیده، عنوان کرد». محمد مورو که ای دیدگاه را نسبت به شهید شقافی بیان داشته و معتقد است که با این همه، او خود را حلقه ای از حلقه های مبارزه اسلامی می دانست که حلقه های پیش و پس از خود را به یکدیگر متصل می کند تا تمامی توان امت برای نابودی دشمن به کار گرفته شود. در ادامه نظرات وی را در خصوص این شهید بزرگوار می خوانیم.



دکتر محمد مورو

چون انتفاضه را به ما شناساند هر چند قبل از آن درباره جهاد اسلامی، حماس و نیروهای مبارز فلسطینی که به تازگی وارد صحنه شده‌اند، مطالبی شنیده بودیم ولی به تحولات بزرگ و تعیین کننده‌ای نیاز داشتیم تا چهره‌های فرسوده و شکننده‌اش صحنه خارج شده و حقایق نوینی برای مردم آشکار گردد، لذا از حزب الله و حماسه آفرینی‌های آن و از وجود گرایش جدید در صحنه مبارزات اخباری به سمع ما رسید که توانست در مدت کوتاهی، ملت را به موضع عمل‌گرایی کشانده و اعتماد را در وجود آنان برانگیزاند و دشمن را دچار وحشت و هراس و تناقض و حتی به عقب‌نشینی وادار سازد.

با این تحولات، از یک سو سازمان آزادیبخش فلسطین احساس شکست و ناتوانی نمود و از سوی دیگر اسرائیل از ضربه‌های مهلک و جانسوزی که بر او وارد گردید، دچار سردرگمی و حقاقت گردید. انقلابیونی مانند فتحی شقایی واقعبینانه با پشتوانه حقایق درک می‌کنند تا حقوق از دست رفته مردم را باز پس گرفته و واقعبینانه و استعمارگرانه مستبد را به دور از هرگونه توهم، تغییر دهند.

رژیم اشغالگر قدس هر چند توانست زمینه توطئه‌ای را فراهم آورد تا دشمنان دیرینه‌اش به دوستان امروزی تبدیل شوند و قراردادهایی را در کوران مبارزه و انتفاضه امضاء نمایند که به طرح روند صلح اشغالگر یافت‌ولی انقلابیون نظیر فتحی شقایی تسلیم این واقع‌گرایی نشدند زیرا نیک می‌دانستند پذیرش این منطق بیهوده زمینه تسلیم طلبی را در برابر واقعبینان فراهم خواهد آورد. این رهبران به خوبی نقاط ضعف و قدرت دشمن را شناسایی کرده‌اند. در گذشته رژیم اسرائیل و تمدن غرب که این موجود سر راهی را پیدا کرده و پرورش داد و به آن موجودیت، قدرت و توان بخشید. آنها از لحاظ زیر ساخت‌ها و توانمندی عناصر بسیار قدرتمند بودند و حاضر می‌شدند به خاطر اهداف تجاوزگرانه و باطل خود جانفشانی کنند.

تمدن غرب که در گذشته اسرائیل را در قلب جهان اسلام پدید آورد، یک قدرت صنعتی و تکنولوژیک بود ولی امروزه با وجود انقلاب اطلاع‌رسانی و عصر ارتباطات و ماهواره نمی‌تواند دستاوردهای گذشته خود را حفظ نماید، نه به این دلیل که از لحاظ صنعتی و تکنولوژی ضعیف و ناتوان گردیده است، بلکه ملت‌ها دارای قدرت

شهر شهید فتحی شقایی



رژیم اشغالگر قدس هر چند توانست زمینه توطئه‌ای را فراهم آورد تا دشمنان دیرینه‌اش به دوستان امروزی تبدیل شوند و قراردادهایی را در کوران مبارزه و انتفاضه امضاء نمایند که به طرح روند صلح اشغالگر یافت‌ولی انقلابیون نظیر فتحی شقایی تسلیم این واقع‌گرایی نشدند زیرا نیک می‌دانستند پذیرش این منطق بیهوده زمینه تسلیم طلبی را در برابر واقعبینان فراهم خواهد آورد.

با یک زبان سخن گفته و با یک موضع منسجم اتخاذ کنیم و هرکس آرمان فلسطین و منافع امت را بر اساس دیدگاه و منطق خود درک می‌کند و در برابر منطق دفاع از فلسطین و امت و اسلام که رسالت دفاع و آزادی این سرزمین را بر دوش دارد، منطقی پدید می‌آید که فلسطین و سرنوشته امت را از دریچه منافع شخصی خود و قدرت طلبی و خاستگاه اجتماعی خویش می‌نگرد، با توجه به این دیدگاه است که فقط قدرت اسرائیل و نه ضعف او و ناتوانی امت و نه قدرت و توانایی‌ها و اراده بالقوه آن ملاک قرار می‌گیرد. شهید فتحی جزء رهبرانی بود که همواره پیروزی را نودید می‌داد. در حالی که دیگران اعتقاد داشتند که در دوران شکست به سر می‌برند، این رهبران اسیر واقعبینانه و شرایط اسفانگیز نشده‌اند بلکه فتحی شقایی تمامی اندیشه و وجود خود را با حقایق در آمیخت. وی اعتقاد داشت شکست سازمان آزادیبخش فلسطین در عملیات «صلح جلیل» که به اخراج آن سازمان از لبنان منجر گردید، یک شکست برای مقاومت فلسطین نبود بلکه می‌توانست آغاز مرحله نوین و ترقی و کارساز برای امت اسلامی و فلسطینی باشد و این مرحله می‌توانست اسرائیل و متحدین او را در تنگنا و محاصره قرار دهد. فتحی یکی از شاخص‌ترین شخصیت‌های فلسطینی بود که جنبش انتفاضه را به وجود آورد. انسان نمی‌تواند در اندیشه مرحوم فتحی فرورود و انتفاضه را به یاد نیارد، شهید فتحی را بدین سبب شناختیم

وقتی با انسان پیوند می‌یابی، به ناچار باید این پیوند در قلب و عقلت جایگاه خاصی پیدا کند، زیرا انسان صرفاً گوشت، خون و استخوان نیست، انسان بیش از هر چیز یک انتخاب موضع است. معلم شهید فتحی یک عنوان برجسته برای انتفاضه فلسطین و مبارزه همه جانبه‌ای است که امت مادر آن وارد شده و تنها مسیری است که می‌توان راه پیروزی را در آن دید. در حالی که دیگران بر این باورند که در دوران شکست و برتری طلبی دشمن به سر می‌برند. باید گفت شرایط کنونی با گذشته تفاوتی ندارد، جز اینکه شرایط گذشته بیشتر از شرایط کنونی در پرده تاریکی و ابهام قرار داشت. جنگ عراق علیه ایران زشت‌ترین صحنه‌ها را نشان داد و در همان اجلاس سران عمان نیز مقرر داشت که دشمن اصلی جمهوری اسلامی نوبیا است!!! سازمان آزادیبخش فلسطین پس از این که از لبنان اخراج گردید، دچار پراکندگی و تفرقه و دشواری‌های فراوان شد و در آن زمان دومین مرحله از این بحران‌های مختلف را می‌گذراند.

کشورهای عربی و اسلامی در سیاست‌های داخلی و خارجی خود دچار شکست شده و پس از آن در دام توطئه اسرائیلی - آمریکایی قرار گرفتند و همسو با دشمن تمامی توان خود را برای مبارزه و دشمنی با اسلام بسیج کردند.

منطقی که بر این منطقه حاکم گردید - همان طوری که امروز این منطق بر بسیاری از مراکز تاثیرگذار و حساس حاکم شده است - همان منطق شکست‌پذیری است که از بطن منطق تسلیم طلبی و سازش دشمن بیرون آمده است.

منطق شکست‌پذیری صرفاً با درک اولیه حقایق پایان نمی‌پذیرد، بلکه این منطق از مرحله تصور شخصی و جزئی فراتر رفته و جنبه عام و کلی پیدا کرده است.

همین تصور باعث گردید تا انسان به اسارت دچار گردد و قدرت مقاومت و ایستادگی از او سلب شود و در هاله‌ای از اوامه گرفتار آید و در نتیجه به عنصری ضعیف و ناتوان مبدل شود به گونه‌ای که خود را در ورطه تسلیم طلبی، خیانت و توطئه انداخته و یا برای دشمن زمینه آن را فراهم آورد. تا خود چاره‌ای جز تسلیم، خیانت و توطئه نداشته باشد.

زمانی که آرمان فلسطین در یک تشکیلات تعیین یافت و بحران سازمان، همان بحران فلسطین گردید، آن زمان است که نمی‌توانیم

شهیدی که پیروزی را از چنگال اسارت رها کنید...

دکتر عادل عبدالمهدی، اقتصاددان و معاون رئیس جمهور عراق

تحلیل دکتر عادل عبدالمهدی از خصوصیات انسانی و شرایطی که در زندگی انسان‌ها تأثیری به سزا در انتخاب شیوه‌های بودن و ماندن دارد؛ به گرفتار شدن انسان‌ها در برهه‌های مختلف در دام اسارت‌ها و توطئه‌ها اشاره داشته و تفاوت اساسی هر انسانی نسبت به دیگری را در جوهره ذاتی او در قدرت مقاومت و ایستادگی در برابر وسوسه‌های تسلیم طلبی، خیانت و گرفتار شدن در ورطه توطئه‌های نابودکننده می‌داند. او که در این وادی ویژگی‌های بی‌بدیلی برای شهید دکتر شقایی قائل است در ادامه می‌گوید.



دراآمد